یادداشت‌های داروخانه

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شـــویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شـــویم که هر کدامش می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی ســـوار وســـیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی‌که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شـــنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مســـأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انســـان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رســـیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی اســـت که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتم تا مســـایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشـــت‌های داروخانه»قلمی کنم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مســـایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

قبل از این که در صف نماز جماعت قرار بگیرم، پیش‌نماز مسجد کمیل که جدیداً آمده، با من سلام و علیکی کرد و راجع به عفونت سینوس‌هایش سؤال کرد و گفت که آموکسی‌سیلین خورده و خوب نشده است. از یکی از تکنیسین‌های بازنشسته بیمارستان هم که از مسجدی‌های دایمی است، مشورت گرفته و وی ظاهراً تتراسیکلین در خانه داشته و همان را توصیه کرده و برایش آورده و مسأله را کاملاً پیچیده کرده است!

برای ایشان کوآموکسی‌کلاو ۶۲۵ میلی‌گرمی توصیه کردم و نحوه خوردن آن را هم برایشان شرح دادم. قرار شد بعد از پایان نماز، کسی به داروخانه بیاید و تهیه کند. کار انجام شد و چند روز بعد که ایشان را دیدم، بهبودی حاصل شده بود.

یادداشت ۲

من ایشان را کمتر در داروخانه دیده‌ام. البته، من کمتر در داروخانه حضور دارم و در مواقع نبودنم، جانشین دارم، ولی با همین حضور کم هم، کمتر از دیگران ایشان را دیده‌ام.

راجع به پرل ویتامین D3 و نحوه خوردن آن سؤال کرد. به ایشان گفتم که هرطوری پزشک شما توصیه کرده، مصرف کنید. در کمال خونسردی گفت که خواهر شوهرم گفته یک ورق از داروخانه بگیرم، ولی این که چطوری مصرف کنم را نگفته است! در حالی که روش‌های مختلف خوردن پرل ویتامین D3 را برایش شرح می‌دادم، به شوخی گفتم یادتان باشد که ضمناً با خواهر شوهرتان هم راجع به مصرف آن مشورت بکنید!

یادداشت ۳

با حالت ناراحتی و درد روی صندلی داروخانه نشست و آهی از ته دل کشید و گفت: آقای دکتر! این داروها درد زانوهایم را خوب نکرده است. گفتم: متولد چه سالی هستید؟

پاسخ داد: ۱۳۰۸ یعنی ۸۹ سال.

گفتم: پدرجان! آیا با خوردن داروها، درد زانوها بدتر هم شده، یا ثابت بوده است؟

گفت: ثابت مانده!

گفتم: پدر عزیز! همین که درد زانوها ثابت مانده، یعنی که داروها اثر کرده است. بقیه‌اش هم که مربوط به شناسنامه است!

خنده معنی‌داری کرد و به سختی بلند شد و همراه با خداحافظی گرمی، داروخانه را ترک کرد.

یادداشت ۴

شربت سرماخوردگی کودکان، شامل یک ضداحتقان و یک آنتی‌هیستامین است. البته، اخیراً نوع جدیدی از آن به فهرست دارویی اضافه شده که شامل ۱۲۵ میلی‌گرم استامینوفن در هر ۵ میلی‌لیتر است. عدم اطلاع از این مسأله در بین همکاران پزشک باعث می‌شود که بیماران دچار سر در گُمی شوند!

خانمی با بچه حدوداً پنج ساله‌اش وارد داروخانه شد و یک شربت سرماخوردگی گودکان و یک شیشه شربت آنتی‌هیستامین خواست!

بلافاصله هم گفت که تلفنی با دکتر بچه‌ام تماس

گرفته‌ام و ایشان توصیه کرده‌اند!

برایشـــان توضیح دادم که شربت سرماخوردگی کودکان، آنتی‌هیستامین هم دارد و در واقع، چون که صد آمد، نود هم پیش ما است.

یادداشت۵

مصرف ناقـــص آنتی‌بیوتیک و خـــود درمانی، مشـــکل‌های زیادی برای چرخه ســـلامت جامعه ایجاد کرده و هزینه‌های زیادی به بیماران تحمیل می‌کند! اگرچه اقتصاد مردم در این مورد تأثیرگذار است، ولی سطح فرهنگ و آگاهی افراد نیز در این مسأله مؤثر خواهد بود. در حالی که دستش را روی صورتش به نشانه دندان‌درد گذاشته بود، تقاضای یک ورق قرص کوآموکسی کلاو ۶۲۵ میلی‌گرمی کرد. وقتی هم ســـؤال کردم، پاسخ داد: هر وقت دندانم درد گرفت، می‌خورم!

برایش شرح دادم که چهار عدد قرص آنتی‌بیوتیک اثری نداشته و عفونت را ریشه کن نمی‌کند. دوره درمان را باید رعایت کنی تا عفونت کاملاً برطرف شده، ســـپس نزد یک دندان‌پزشـــک، دندانت را درمان کنی.

یادداشت۶

دفترچه را کـــه جلویم باز کرد، نام چهار داروی OTC ردیف شده بود. سؤال کردم: امرتان!

گفت: از هر کدام ۲ بسته صدتایی لطفاً. بلافاصله هم ادامه داد که سه ماهی عازم هلند هستم برای دیدن بچه‌ها.

به شـــوخی گفتم: فقط هدف شما دیدن بچه‌ها است، یا این که مهمانی هم دارید؟

لبخندی زد و گفت: از پس قیمت داروهای آن‌جا بر نمی‌آیم، خیلی گران است!

در حالـــی که داروها را برایش می‌آوردم، زیرلب زمزمه کـــردم که هنوز هـــم دارو در ایران خیلی ارزان است!